

## بلوک بندی چین، روسیه و ایران در مقابل ایالات متحده آمریکا؛ دلایل و رویکردها

دانیال رضاپور، روح اله منعم، مصطفی صبوری جوینان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

### چکیده:

با افول تدریجی موقعیت برتر ایالات متحده آمریکا و زایش قدرت‌های رقیب به ویژه چین مقوله بازتوزیع قدرت و به تبع آن بازتوزیع نقش‌ها در سیاست بین‌الملل در کانون توجه قرار گرفته است. در این وضعیت تقابل کارگزارانه بین حامیان وضع موجود، در مقابل تجدید نظرطلبانی همچون چین، روسیه و ایران به مسئله مهمی بدل شده است، زیرا تاثیر مستقیمی بر وضعیت آینده عناصر بین‌المللی از جمله ساختار، کارگزاران، الگوهای ارتباطی و هنجاری و نیز بر روندهای اصلی چون موازنه‌ها، نهادها و اقتصاد بین‌الملل دارد. مقاله پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که الگوهای رفتاری موید همگرایی میان اعضای بلوک تجدیدنظرخواه متشکل از چین، روسیه و ایران برای ایجاد دیگردیسی در نظم مستقر و مقابله با قدرت برتر و حامی نظم موجود یعنی آمریکا چیست؟ به منظور پاسخ به پرسش یاد شده این فرضیه مطرح می‌شود که الگوهای رفتاری سه کشور تجدید نظر طلب چین، روسیه و ایران در قبال سیاست خارجی مطابق با همگرایی بر پایه مزیت‌های نسبی سه بازیگر در حوزه‌های جغرافیا-ژئوپلیتیک، سیاسی، دفاعی-امنیتی و فرهنگی-تمدنی از چالش‌های پیش روی هر دولت شکل گرفته و تداوم یافته است. آثار و نتایج این همگرایی در همکاری‌های نظامی و امنیتی از جمله برگزاری مانورهای نظامی مشترک به ویژه پس از جنگ اوکراین، همکاری و اتخاذ مواضع تا حدودی مشترک در چارچوب برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای تقویت نهادهای اقتصادی جایگزین به ویژه پیمان شانگهای قابل مشاهده است.

**واژگان اصلی:** روسیه، چین، ایران، آمریکا، نظام بین‌الملل.

## مقدمه

صعود قدرت چین و تمایلات این کشور برای ایفای نقش جدی تر در صحنه بین‌المللی از یک سو و افول تدریجی موقعیت برتر ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر مقوله بازتوزیع قدرت و به تبع آن بازتوزیع نقش‌ها در سیاست بین‌الملل را در کانون توجه قرار داده است. در این میان، برخی دولت‌ها که به دلایل مختلف از جمله ژئوپلتیک، سیاسی-امنیتی و هویتی و تاریخی از نظم موجود دلزده و گریزان هستند نزدیکی به چین را به مثابه فرصت تاریخی برای ایجاد دگردیسی در نظم مستقر می‌دانند. طبیعتاً چین نیز که خود را در قامت یک قدرت هژمون می‌نگرد و جایگاه کنونی‌اش در نظم مستقر را در حد و اندازه قدرت خود نمی‌داند این همگرایی را به فال نیک گرفته و قدر می‌داند. تا جایی که بسیاری معتقدند ائتلاف و بلوکی از کشورهای ناراضی شامل چین، روسیه و ایران در حال شکل‌گیری است. در این وضعیت تقابل کارگزارانه بین حامیان وضع موجود در راس آن‌ها آمریکا، کشورهای اروپای و ژاپن و کره جنوبی و در مقابل تغییرطلبانی چون چین، روسیه و ایران مسئله مهمی است، زیرا تاثیر مستقیمی بر وضعیت آینده عناصر بین‌المللی از جمله ساختار، کارگزاران، الگوهای ارتباطی و هنجاری و نیز بر روندهای اصلی چون موازنه‌ها، نهادها و اقتصاد بین‌الملل دارد. نمادها و نمودهایی از همگرایی میان قدرت‌های تجدیدنظر طلب و ایجاد یک بلوک چالش‌گر نظم مستقر در نظام بین‌الملل قابل مشاهده است. برای نمونه، بعد از اقدام نظامی در اوکراین و سوریه با همراهی ایران و چین نیز با پیشبرد ابر طرح "یک کمربند- یک جاده" بر تجدیدنظر طلبی فعال خود تاکید کرده‌اند (نوری، ۱۴۰۰: ۴). در همین راستا رزمایش دریایی مشترک کمربند امنیت دریایی ۲۰۲۴ ایران، روسیه و چین در آب‌های دریای عمان در ۲۲ اسفندماه ۱۴۰۲ انجام شد. این رزمایش سه جانبه علاوه بر تقویت قابلیت همکاری نیروهای دریایی روسیه، چین و ایران، تلاشی برای نشان دادن یک بلوک جدید و هماهنگ در برابر یک‌جانبه‌گرایی افسارگسیخته دولت وقت آمریکا و همچنین گریزان بودن آنان از بلوک غرب بوده است. باتوجه به ایجاد این صف‌بندی جدید در عرصه روابط بین‌الملل اهمیت نیاز به بررسی در مورد روابط میان این سه کشور مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی با بررسی روابط موجود میان سه کشور می‌توان دریافت که روابط آنان با وجود آنکه در یک بلوک‌بندی مشترک قرار گرفته‌اند اما دارای پیچیدگی‌هایی است که در ماهیت کلی این ساختار تاثیرگذار است. مبتنی بر این اصل شرح داده شده، یکی از پیچیدگی‌های موجود، روابط میان چین و ایران است که آن نیز نتیجه روابط مسکو با دو قدرت پکن و تهران بوده است که هر دو نقش‌های متمایز، هر از چند

گاهی متداخل را در سیاست خارجی روسیه ایفا می‌کنند. از جانبی دیگر ماهیت روابط تهران با مسکو و پکن نیز بر حوزه‌های اصلی تعامل تأثیرگذار است. برای مثال در حالی که روابط اقتصادی بین پکن و تهران در تحول روابط چین و ایران بسیار مهم بوده است، اما روابط روسیه و ایران بیشتر شامل همگرایی در باب نگرانی‌های امنیتی با تأکید بر مسائل منطقه‌ای از دریای خزر تا افغانستان است. شرایط پیش گفته این پرسش را به وجود می‌آورد که روسیه، چین و ایران برای ایجاد دیگردیسی در نظم مستقر و مقابله با قدرت برتر و حامی نظم موجود یعنی آمریکا چه الگوهای رفتاری را در پیش گرفته است؟ به منظور پاسخ به پرسش یاد شده این فرضیه مورد اشاره قرار گرفته است که الگوهای رفتاری سه کشور تجدید نظر طلب چین، روسیه و ایران در قبال سیاست خارجی مطابق با همگرایی بر پایه مزیت‌های نسبی سه بازیگر در حوزه‌های جغرافیا-ژئوپلیتیک، سیاسی، دفاعی-امنیتی و فرهنگی-تمدنی از چالش‌های پیش روی هر دولت شکل گرفته و تداوم یافته است.

براین اساس این پژوهش با کمک نظریه موازنه‌سازی با مروری بر همگرایی بین دیدگاه‌های روسیه، چین و ایران در مورد نظم بین‌الملل و تلاش‌های جمعی نوپای برای به چالش کشیدن اساس هنجارها و رویه‌های ظاهری «لیبرال» آغاز می‌شود و در ادامه به بررسی نقش روسیه و چین در تحول برنامه هسته‌ای ایران و همکاری مشترک چین و روسیه در جریان مذاکرات ۱+۵ می‌پردازد. سپس، در بخشی دیگر از طریق تعامل ایران با سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup> و مباحث تقویت حاکمیت، تمرکز خود را به امنیت منطقه‌ای و داخلی معطوف می‌کند. در نهایت، در این مقاله به نقش ایران در تلاش روسیه برای پیوند اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۲</sup> و کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب<sup>۳</sup> با طرح‌های کمربند و جاده چین<sup>۴</sup> و همچنین تلاش‌های گسترده‌تر برای حمایت از کنار گذاشتن دلار به پایان می‌رسد.

## ادبیات پژوهش

اندرو کندال و ریچارد فانتین (۲۰۲۴) در مقاله با عنوان «چگونه دشمنان آمریکا برای براندازی نظم جهانی متحد می‌شوند» که در پایگاه تحلیلی فارن افرز منتشر ساخته به تقویت همگرایی محور چین،

<sup>1</sup> SCO

<sup>2</sup> EAEU

<sup>3</sup> INSTC

<sup>4</sup> BRI

روسیه و ایران در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ اشاره کرده است و جنگ اوکراین را بستری برای ظهور و بروز هر چه بیشتر این همگرایی معرفی کرده است. از نظر مولفان، از زمان تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، مسکو بیش از سه هزار و ۷۰۰ هوایمای بدون سرنشین طراحی شده توسط ایران را در پایگاه‌هایش مستقر کرده است. چین به نوبه خود با افزایش واردات نفت و گاز از روسیه و انتقال فناوری جنگی به مهم‌ترین راه نجات روسیه تبدیل شده است.<sup>۱</sup> مولفان تاکید می‌کنند که جنگ اوکراین به تعمیق روابط اقتصادی، نظامی، سیاسی و فناوری میان چهار کشور روسیه، چین، ایران و کره شمالی سرعت بخشیده و این چهار قدرت به‌طور فزاینده‌ای منافع مشترک را شناسایی کرده، مواضع خود را با هم مطابقت می‌دهند و فعالیت‌های نظامی و دیپلماتیک خود را هماهنگ می‌کنند.

آریل کوهن (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «ائتلاف پکن - مسکو - تهران در مقابل واشنگتن» که در نشریه نشنال ایترست منتشر شده این ایده را مطرح ساخته است که ائتلاف روسیه، چین و ایران پس از جنگ غزه در حال قدرت‌گیری است. این ائتلاف می‌تواند برای غرب و آمریکا مشکل‌آفرین بوده و آن را به سمت نابودی بکشاند. از نظر مولف، چین و روسیه موضع خود را در جنگ اسرائیل مشخص کرده‌اند. از این‌رو، طبق ادعای آمریکا، واکنز روسیه به حماس در زمینه لجستیک آموزش داده است. به این ترتیب ایالات متحده اکنون با یک ائتلاف جهانی متشکل از روسیه، چین، کره شمالی و ایران مواجه است که تلاش می‌کنند از عملیات ۷ اکتبر حماس حمایت کنند.<sup>۱</sup> کوهن در رابطه با نقش ایران در این ائتلاف جهانی رقیب مدعی شده است که ایران از حماس و جهاد اسلامی فلسطین حمایت می‌کند. ایران همچنین تامین‌کننده اصلی پهپادهای روسیه و نفت چین است. نویسنده در پایان این ادعا را مطرح می‌کند که جنگ غزه می‌تواند دو ائتلاف غرب و روسیه و چین و ایران را وارد درگیری بزرگی کند.

صفری و رادگودرزی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «همکاری‌های چین و روسیه؛ تحلیلی از منظر تئوری انتقال قدرت» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چه عواملی باعث می‌شود چین از چالش‌های ایجاد شده به‌وسیله روسیه برای نظم لیبرالی و هژمونی ایالات متحده آمریکا حمایت کند. آنان استدلال می‌کنند که چالش‌های روسیه از سه جهت برای چین حائز اهمیت است. نخست، چالش‌های روسیه، چین را از مواجهه مستقیم با ایالات متحده آمریکا دور و در عین حال توجهات را

<sup>1</sup> Ariel Cohen

از رشد پکن منحرف می‌کند؛ دوم، چشم‌انداز ارائه شده از سوی روسیه در تضاد با خواسته‌های چین نیست و در بسیاری از موارد تأمین‌کننده منافع آن است و در نهایت تضعیف هسته آنگلو - آمریکایی نظم لیبرال که می‌تواند به تضعیف هژمونی ایالات متحده منجر شود، چین را به همکاری و چالشگری روسیه ترغیب می‌کند.

بصیری و آئینه‌وند (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه رویکرد روسیه، چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران» این موضوع را طرح می‌کنند که روسیه، چین و آمریکا از بازیگران مهم در موضوع پرونده هسته‌ای به شمار می‌روند که نقش آن‌ها در قبال این پرونده غیرقابل انکار است. آنان بر اساس یافته‌های تحقیق بیان داشته‌اند که مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در سیاست‌های مسکو و پکن در برخورد با این بحران، روابط استراتژیک روسیه و چین با ایالات متحده است. روسیه و چین در مخالفت خود به مبانی حقوقی تکیه دارند و در تعاملات خود با ایران راهبردی مصلحت‌اندیشانه و تاکتیکی در جهت تأمین منافع خویش به کار گرفته‌اند؛ اما آمریکا علاوه بر سختگیری‌های حقوقی - سیاسی به تنش‌های ایدئولوژیک با ایران می‌پردازد، ولی هر سه باهم رابطه‌ی استراتژیک دارند؛ اما با ایران رابطه‌ی تاکتیکی دارند و مخالف قدرتمند شدن یک ایران هسته‌ای هستند.

اسدی و منوری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید؛ اتحاد استراتژیک یا همسویی منافع» به بررسی روابط میان روسیه و ایران در ادوار مختلف پرداخته‌اند. آنان با وجود همکاری‌های راهبردی در برخی مسائل همانند سوریه و هسته‌ای باتوجه به تنش میان روسیه و آمریکا و سیاست ضد ایرانی موجود روابط میان دو کشور را دارای چشم‌انداز روشنی در نظر نمی‌گیرند. در این پژوهش ضمن تکیه بر مبانی مفهومی استراتژیک به بررسی روابط میان ایران و روسیه پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که این دو کشور روابط استراتژیک ندارند بلکه براساس واکنشی خاص به شرایط بین‌المللی در برخی موارد خاص به صورت موقت با یکدیگر ارتباط دارند.

اینک با توجه به بررسی تحقیقات موجود در باب موضوع چین، روسیه و ایران در برابر آمریکا می‌توان بیان داشت که، نوآوری پژوهش حاضر آن است که این مقاله به‌جای تمرکز بر محرک‌های اصلی روابط روسیه، ایران و چین، به بررسی حوزه‌هایی می‌پردازد که سه کشور در آن ابتکارات و مبادلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی متقاطع دارند. و در نتیجه درصدد بیان این صف‌بندی‌ها به صورت جامع در یک پژوهش به صورت مقایسه‌ای برآمده‌ایم.

## روش پژوهش

تحقیق پیش‌روی در زمره مطالعات کیفی قرار دارد و با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی مقایسه‌ای و تحلیل محتوا استفاده شده است. لذا تلاش شده با بررسی متون و طبقه بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده‌ها و محتوای اسناد و منابع موجود، فرضیه پژوهش آزموده شود.

## چارچوب نظری

### راهبرد موازنه‌سازی

برای تبیین روابط میان روسیه، چین و ایران در برابر هژمونی طلبی و ساختار لیبرالی امریکا در نظام بین‌الملل می‌توان از راهبرد موازنه قدرت در ابعاد مختلف نرم، سخت محدود و سخت که به ویژه پس از جنگ سرد مطرح شده است استفاده کرد. براساس چارچوب فکری موازنه قدرت که بیش از پیش با تفکرات واقع‌گرایان نمود بسیاری در اندیشه روابط بین‌الملل پیدا کرده است بدون داشتن یک نظام موازنه موفق دستیابی به اهداف بلند مدت استراتژیک ناممکن است. بنابراین براساس اندیشه مورگنتا کشورها به دو دسته خواستار حفظ وضع موجود یا تجدیدنظر طلب تقسیم می‌شوند و این‌گونه سیاست بین‌الملل را شکل می‌دهند (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۵). براین اساس است که کشورهای همانند روسیه، چین و ایران مبتنی بر سیستم موازنه‌قدرت که در آن بر اصل اتحاد با کشورهای دوست تاکید می‌شود سعی در ارتباط و در برخی موارد اتحاد با یکدیگر در برابر هژمونی ایالات متحده داشته‌اند.

در واقع سیستم رفتاری ایالات متحده و هژمونی طلبی آن کشورهای سه گانه فوق را در این بحث که هرکدام خواستار تغییر وضع کنونی بین‌المللی هستند از قوی به ضعیف تقسیم‌بندی می‌کند. نظریه موازنه قوا بر دو پایه اصلی: (۱) تمرکز قدرت در هر بازیگری کاهش ضریب امنیتی بازیگر دیگر را در پی خواهد داشت (۲) در یک نظام آنارشی بین‌المللی دولت‌ها برای بقا و افزایش امنیت مجبور به مقابله با تمرکز قدرت در نظام بین‌الملل هستند، گذاشته شده است. زمانی که قدرتی در نظام بین‌الملل تلاش می‌کند در یک بستر هژمونیک قرار بگیرد سایر قدرت‌ها با یکدیگر متحد می‌شوند تا در برابر تمایلات هژمونیک آن بقا و استقلال خود را حفظ کنند. در واقع انباشت قدرت زنگ هشدار برای قدرت‌های دیگر است و واکنش اولیه آن موازنه‌سازی در برابر قدرت تجمع‌کننده می‌تواند باشد (

همتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۷). بنابراین تجمیع قدرت در ایالات متحده همانند هر هژمون دیگری در طول تاریخ اکنون توسط دولت‌ها به ویژه چین، روسیه و ایران به چالش کشیده شده است. این چالش باتوجه به گرایش تجدیدنظر طلبی این کشورها بیشتر مورد توجه غرب و واکنش از سوی آنان شده است.

در واقع تغییر نگرش به موازنه قدرت از بعد نظامی به نرم و سخت محدود که در نحوه رفتار چین، روسیه و ایران در برابر امریکا نیز قابل مشاهده است از پس از جنگ سرد اشاعه یافت. براساس این نگرش دیگر همانند دوران جنگ سرد تنها ابعاد نظامی عرصه رقابت‌جویی نیست. امروزه مبتنی بر مولفه موازنه نرم از نهادهای بین‌المللی، اجماع‌سازی سیاسی و ائتلاف‌سازی دیپلماتیک و همچنین تحریم‌های بین‌المللی استفاده می‌شود. همچنین بر اساس موازنه سخت محدود بر راهبردهایی همانند توسعه تسلیحاتی محدود، اتحادسازی نیمه‌رسمی و پیگیری مشارکت‌های راهبردی، برگزاری مانورهای نظامی مشترک، همکاری فناوریانه، هماهنگی در اجرای اقدامات علیه تهدیدهای غیرمتعارف همانند تروریسم و به اشتراک‌گذاری منابع بدون تعهد رسمی به دفاع متقابل از یکدیگر اشاره شده است (پاکدل و پیرهادی، ۱۴۰۰: ۲۹۱-۲۹۲). بنابراین چارچوب رفتاری این سه کشور در برابر ایالات متحده در چارچوب موازنه‌سازی نوین جای گرفته و می‌توان رفتار آنان را در این قالب طرح و مورد تبیین قرارداد.

### روسیه، چین و ایران در نظم بین‌المللی موجود

روسیه، چین و ایران حول دیدگاه مشترکی برای نظم بین‌الملل متحد شده‌اند، که از جمله مشخصه‌های آن دولت‌محوری، توازن چند قطبی، ضد هژمونیک‌گرایی، انکار وجود یک مدل اقتصادی و فرهنگی مشترک برای همگان و دفاع از اقتصاد ملی در مقابل آثار منفی جهانی شدن، مخالفت با رویکردهای عام‌گرا به حق‌های بشری، مخالفت با استفاده از تحریم‌های یک‌جانبه و محدودیت‌های تجاری به مثابه ابزارهای سیاست خارجی است. این اصل مهم وجود دارد که پیگیری هنجارهای متضاد، پایه‌ای برای منافع مشترک فراهم می‌کند، حتی زمانی که منافع مادی ممکن است در حوزه‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای متفاوت باشد. عامل روسیه در روابط چین و ایران را باید در چارچوب تلاش گسترده‌تر مسکو برای به چالش کشیدن ماهیت نظم بین‌المللی از طریق ایجاد شبکه‌ای از کشورهای همفکر دید. مفهوم روسی از چندقطبی شدن در جهان به‌عنوان یک آرمان و منبع پیوند

گفتمانی با کشورهای همفکر، در راستای ارائه چالشی در برابر سلطه غرب بر نظم بین‌الملل است و همزمان مبنایی برای همکاری با کشورهایی است که رویکرد هنجاری مشترکی دارند. مفهوم نظم جهانی چندقطبی مدت‌ها در روابط چین و روسیه مطرح شده است، همان‌گونه که در بیانیه مشترک سال ۱۹۹۷ در مورد "ترویج چند قطبی شدن جهان و ایجاد نظم بین‌المللی جدید" و بیانیه‌های مشترک بعدی بیان شده بود (Grajewski, 2022: 3). در آخرین دیداری نیز که دو طرف در بحبوحه جنگ اوکراین داشتند پوتین و شی جین پینگ بر اراده راسخ هر دو کشور برای همگرایی و گذار به یک جهان چند قطبی تاکید نمودند. برای مثال رئیس جمهور روسیه با بیان اینکه پکن و مسکو برای تشکیل جهان چند قطبی مصمم هستند، اعلام نمود که بهتر است سلطه‌گران جهان به صورت مسالمت‌آمیز به این تغییر تن دهند. پوتین اعلام کرد که «ما باید از جهان چند قطبی در حال ظهور حمایت کنیم. ضروریست کسانی که سعی دارند سلطه خود بر تصمیم‌گیری‌ها در تمامی امور را حفظ کنند، این را بدانند که مسالمت‌آمیز بودن این فرایند (تشکیل جهان چند قطبی) به رفتار آن‌ها بستگی دارد. چین و روسیه دیدگاه‌های خود را در مورد راه‌های توسعه ملی و اقتصاد داخلی دارند. این توسعه بر تمامی شرکا در جهان تاثیر خواهد گذاشت. ما باور داریم این توسعه باید سازنده باشد. وقوع آن ضروریست و باید نه تنها منافع خود، بلکه منافع تمام شرکای جامعه بین‌المللی را لحاظ کنیم. علاوه بر این، رئیس‌جمهور روسیه با اشاره به اینکه نظم جهانی چند قطبی جدید در حال ظهور است، گفت: «شکی نیست که این نظم جهانی دارد در مقابل چشمان ما شکل می‌گیرد و جهان دارد چند قطبی می‌شود. فکر می‌کنم همه این را به خوبی می‌دانند و از آن آگاه هستند.» در ادامه طرفین بیانیه مشترکی را درباره "عصر جدید" امضا کردند که بر مخالفت با ایالات متحده در مورد مسائل امنیتی و دیدگاه مشترک در مورد موضوعات مختلف از تایوان و اوکراین گرفته تا کره شمالی و همکاری در زمینه‌های جدیدی چون فن آوری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای و مالی اعلام کردند (Orr and colleagues, 2024: 1-2).

در دوران اوج برتری ساختاری ایالات متحده، نارضایتی روسیه از توزیع رایج قدرت با حمایت قوی از چندقطبی بودن و تحقیق مداوم در مورد ترتیبات طرف ثالث که ممکن است پتانسیلی برای متعادل کردن برتری آمریکا داشته باشد همراه بود؛ که شامل تقویت روابط با کسانی بود که به صورت بالقوه همانند ایران، چین و هند دشمن غرب بودند. بنابراین کشور ایران در مرکز جریان اصلی بحث‌های سیاست خارجی روسیه در مورد ایجاد یک اتحادیه ژئوپلیتیکی متشکل از مراکز اصلی قدرت در



سرزمین‌های خشکی اوراسیا از جمله ایده چهارضلع اوراسیا متشکل از چین، روسیه، هند و ایران - اتحادیه‌ای که پیشنهاد وزیر خارجه اوگنی پریماکوف در سال ۱۹۹۸ برای مثلث استراتژیک مسکو- پکن- دهلی بوده است جای می‌گرفت.

دیدگاه ایران در مورد نظم بین‌الملل و مضامین بیان شده توسط گفتمان روسیه و چین در مورد نظم جهانی، حالتی چندقطبی و ضد هژمونیک را منعکس می‌کند که با حفظ تنوع حاکمیتی و تمدنی در میان آنان در جریان است. کمال خرازی، وزیر امور خارجه دولت خاتمی و رئیس شورای روابط خارجی، پیش از آغاز سیاست «نگاه به شرق» ابراز تمایل کرده بودند که ایران بخشی از «مثلث استراتژیک» پیشنهادی یوگنی پریماکوف بین روسیه، چین، هند، به‌عنوان «اتحادی از چهار تمدن... نژادها، ملت‌ها و ادیان مختلف» باشد (Voronin, 1999). روایت‌های موجود در تهران همانند مسکو و پکن چندقطبی بودن، نقش اساسی سازمان‌های غیر غربی و کشورهای مانده ایران، هند، برزیل، چین و روسیه در تغییر تمرکز قدرت از غرب را برجسته کرده است. از لحاظ مفهومی، یک سیستم چند قطبی همچنین فرصت‌های بیشتری را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران فراهم می‌کند، زیرا توزیع قدرت در امتداد چندین قطب منطقه‌ای، تحمیل اراده یک قدرت مسلط را غیرقابل دفاع می‌کند.

ج.ا. ایران در سال‌های اخیر اقدامات عملی در راستای تقویت همگرایی با چین و روسیه انجام داده است. برای نمونه در ژوئیه ۱۴۰۲ به سازمان همکاری شانگهای، یک گروه منطقه‌ای به رهبری چین و روسیه پیوست. این کشور همچنین در ماه دسامبر به اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) به رهبری روسیه به توافقنامه تجارت آزاد کشورهای عضو شوروی سابق، پیوست. در همین دوره ایران به عضویت کامل بریکس نیز درآمد. ایران همچنین در دوران ریاست جمهوری (شهید) ابراهیم ریسی صادرات نفت خام به چین را با وجود تداوم تحریم‌های آمریکا علیه تهران، تقویت کرده و صادرات نفت ایران طی همین دوره از حدود ۴۰۰ هزار بشکه به بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه رسیده است. روسیه و چین نیز در همین دوران تقویت روابط نزدیکتر با ایران را در اولویت قرار دادند. روسیه در همین دوران همکاری نظامی بی سابقه‌ای با ایران داشت و از پهپادهای ایرانی به طور گسترده در جنگ اوکراین استفاده کرد. چین هم سال ۱۴۰۲ برای عادی سازی روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی میانجی‌گری کرد که نشان دهنده نفوذ فزاینده این کشور در خاورمیانه بود (Orr and colleagues, 2024:5).

ترویج دیدگاه‌های جایگزین برای نظم بین‌الملل شامل گسترش اعتراض روسیه، چین و ایران در مورد اعتبار هنجارهای ظاهری لیبرال از طریق اصالت‌سازی تمدنی (تعریف شده در زیر) و کارآفرینی ضد هنجار بوده است. اگرچه این عمل اغلب به‌طور مستقل دنبال می‌شود، اما مخالفت با چارچوب‌ها و اصول هنجاری مختلف توسط روسیه، چین و ایران با تلاش‌های مسکو برای جمع‌آوری بسیج جمعی از دولت‌هایی که از برتری‌جویی ایالات متحده ناراضی هستند، سازگار است. در این رابطه مسکو و پکن درک‌های جایگزینی از روابط اجتماعی، حکومت داخلی و نظم جهانی به منظور بسیج حمایت جهانی برای پروژه‌های نزدیک به ارزش‌ها و منافع خود بیان کرده‌اند (Bettiza and Lewis, 2020: 560). یکی از مظاهر کارآفرینی ضد هنجار، ترویج هنجارها و اصول بین‌المللی است که با دیدگاه دولت محور حقوق بین‌الملل در شورای امنیت سازمان ملل متحد و از طریق معاهدات، بیانیه‌های مشترک و دکترین‌ها مرتبط است. چین و روسیه هر دو به صورت فردی و جمعی، بر اساس منافع و رویکردهای خود نسبت به حقوق بین‌الملل به شیوه‌هایی عمل کرده‌اند که برنامه‌های غربی را محدود و برنامه‌های خود را ترویج کرده‌اند و برخی از تفاسیر حقوق بین‌الملل را به چالش کشیده‌اند (Roberts, 2017: 299). روسیه علاوه بر چین به طور فزاینده‌ای به دنبال انتقال عناصر روابط خود با ایران در حوزه‌های حقوق بین‌الملل همان‌گونه که به صورت تقریباً یکسان در اعلامیه ۲۰۱۶ فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین و قانون و اعلامیه ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران در مورد ترویج حقوق بین‌الملل آمده است، می‌باشد. هر دو اعلامیه ۲۰۱۶ روسیه-چین و ۲۰۲۰ روسیه-ایران بر برابری حاکمیتی، عدم مداخله و عدم استفاده از زور تأکید دارند و در عین حال اعمال فراسرزمینی قوانین ملی، تحریم‌های یکجانبه و تغییر رژیم را تحت این قانون محکوم می‌کنند.

علاوه بر ترویج نظم ضد هنجاری، روسیه، چین و ایران به درونی‌سازی تمدنی دست زده‌اند، شکلی از رقابت هنجاری که اعتبار مفاهیم ناشی از غرب را از طریق این بحث که تمدن‌های مختلف منحصر به فرد هستند، به چالش می‌کشد. تنوع گفتمان‌های روسی، چینی و ایرانی در مورد هویت آن‌ها به‌عنوان تمدن‌های منحصربه‌فرد، این امر را ایجاد می‌کند که هنجارها و هویت‌های لیبرال محصول تاریخ، فرهنگ و علائق غرب هستند و بنابراین زمینه‌ای جهانی ندارند. به این ترتیب به مسکو، پکن و تهران اجازه داده می‌شود دموکراسی، حقوق بشر، و نظم لیبرال... را به‌عنوان محصولات غرب و برای آن مشروعیت‌زدایی کنند (Bettiza and Lewis, 2020: 569). فراتر از

طرح یک هویت خاص در سطح بین‌المللی، بحث‌های روسیه، ایران و چین در مورد تمایز تمدنی مربوطه و تأکید بر احترام به امور داخلی دولت‌ها، مشروعیت تحمیل معیارهای غربی مفهوم رفتار مناسب را به چالش کشیده است.

روسیه، چین و ایران با هدف به چالش کشیدن استانداردهای غربی هم از نظر گفتمانی و هم از لحاظ رویه‌ای از طریق سازمان‌های بین‌المللی مختلف، اقدام کرده‌اند. برای مثال در سازمان منع تسلیحات شیمیایی،<sup>۱</sup> چین و ایران در تلاش برای محدود کردن توانایی این سازمان برای بررسی موارد استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه و ترورهای هدفمند، در کنار روسیه ایستادند. در سال ۲۰۱۸ نیز پس از حادثه اسکرپال، این سه کشور قطعنامه مشترکی را برای آغاز تحقیقات مشترک روسیه و بریتانیا به عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن اتهامات انگلیس در مورد دخالت روسیه در تلاش برای ترور پیشنهاد کردند (Grajewski, 2022: 7). اگرچه این پیشنهاد سه جانبه توسط شورای اجرایی رد شد، اما این سه کشور به حمایت از پیشنهادهاى مشترک مختلف مانند پیشنهاد روسیه و ایران برای کاهش بودجه سازمان منع سلاح‌های شیمیایی و پیشنهاد روسیه و چین در مورد استفاده از سلاح شیمیایی سوریه ادامه دادند. اما در جایگاه مقایسه روابط میان این سه کشور، میزانی که روسیه، چین و ایران این دسته از کنش‌ها را به هماهنگی آگاهانه سیاست‌های سه‌جانبه تبدیل کرده‌اند، بسیار اندک‌تر از روابط دوجانبه و اعلامیه‌های سیاست خارجی فردی آن‌ها بوده است.

### روسیه، چین و برنامه هسته‌ای ایران

برای روسیه و چین، موضوع هسته‌ای ایران نقش برجسته‌ای در تلاش‌های مشترک چین و روسیه در مورد عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای، از جمله مذاکرات شش جانبه بر سر موضوع هسته‌ای کره شمالی ایفا کرده است. اما در کنش موجود میان این دو بازیگر در مورد مساله هسته‌ای ایران تفاوت‌هایی وجود دارد. روسیه بین همکاری با غرب در مورد قطعنامه تحریم‌های ایران تا اعمال وتوی خود در حمایت از ایران در نوسان بوده است، در مقابل چین نیز اغلب از روسیه در قبال قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل و مذاکرات ۵+۱ پیروی می‌کند. با این حال، بی‌میلی پکن به حمایت تنها از ایران، نشان دهنده وابستگی این کشور به مسکو در تدوین سیاست‌های منع اشاعه است. برنامه

<sup>1</sup> OPCW

هسته‌ای ایران هم‌افزایی‌های از پیش موجود در رویکردهای مسکو و پکن در قبال مسائل بین‌المللی را نشان می‌دهد که با محکومیت متقابل تحریم‌های یکجانبه و دوری از توسل به زور آشکار می‌شود. پیش از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روسیه و چین تحت فشار آمریکا بر سر همکاری غیرنظامی هسته‌ای خود با تهران قرار داشتند. در دهه ۱۹۹۰، ایران به‌دنبال حمایت فنی روسیه یا چین برای ایجاد صنعت غیرنظامی انرژی هسته‌ای خود بود. در این رابطه در آگوست ۱۹۹۲، روسیه و ایران قراردادهایی را برای همکاری بلندمدت در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی و ساخت نیروگاه در ایران امضا کردند که در ژانویه ۱۹۹۵ در قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به اوج خود رسید. روسیه توافق ساخت نیروگاه اتمی بوشهر با ایران را وسیله‌ای برای احیای صنعت هسته‌ای خود، ایجاد اشتغال و پیش‌بینی جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ در انرژی هسته‌ای غیرنظامی می‌دانست. در این مدت، ایالات متحده تلاش کرد کمک مالی بین‌المللی به مسکو را از طریق برنامه نون-لوگار و همچنین نقش روسیه در ایجاد سیستم کنترل صادرات پس از COCOM به پایان دادن به همکاری‌های هسته‌ای نظامی-فنی و غیرنظامی بین روسیه و ایران مشروط کند. اما در حالی که روسیه طبق توافق گور-چرنومیردین با توقف فروش تسلیحات به ایران موافقت کرد، با این حال بر تکمیل نیروگاه بوشهر که روسیه آن را برای حفظ شهرت تجاری خود در بخش هسته‌ای غیرنظامی و نشان دادن اینکه روس‌ها می‌توانند با موفقیت یک پروژه فناوری را به پایان برسانند ضروری می‌دید، پایبند ماند. اما در مقابل چین نیز با فشار مشابهی از سوی ایالات متحده به دلیل دخالتش در توسعه هسته‌ای ایران مواجه شد. در سال ۱۹۹۷، ایالات متحده چین را از ساخت دو نیروگاه هسته‌ای در ایران منصرف کرد که اساساً به روسیه اجازه داد تا مزیت نسبی در بازار انرژی هسته‌ای غیرنظامی ایران به دست آورد. همان‌طور که تعهد روسیه به نیروگاه اتمی بوشهر نماد مهمی از موقعیت آن به‌عنوان یک قدرت بزرگ بود، مشارکت مسکو در مذاکرات پیرامون برنامه هسته‌ای ایران نشان دهنده تمایل به مشارکت در مدیریت قدرت بزرگ بود.

پس از افشای برنامه هسته‌ای ایران از جمله تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و تأسیسات تولید پلوتونیوم با درجه تسلیحات در اراک در اوت ۲۰۰۲، مسکو و پکن ترجیح مشترکی برای حل نگرانی‌ها از طریق دیپلماسی E3 نشان دادند. با از سرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی ایران در آگوست ۲۰۰۵، هر دو کشور روسیه و چین به دنبال حل‌وفصل مساله در داخل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بودند و نه از طریق شورای امنیت. در سال ۲۰۰۶، چین از تلاش روسیه برای میانجیگری و یافتن

راه‌حلی سیاسی به غیر از ارجاع شورای امنیت سازمان ملل با پیشنهاد فرآوری اورانیوم برای صنعت هسته‌ای ایران در نیروگاه‌های روسیه حمایت کرد. پیشنهادی که تهران در نهایت آن را رد کرد. اگرچه احمدی‌نژاد در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۶ به پوتین قول داد که به پیشنهاد E3 3+ پاسخ سازنده بدهد، اما ناکامی رئیس‌جمهور ایران در انجام این کار به ترغیب مسکو و به دنبال آن پکن برای حمایت از تصمیم شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ بسیار مهم بود.

در مذاکرات بعدی، چین از روسیه در حمایت از رویکرد دو طرفه در برنامه هسته‌ای پیروی کرد که مشخصه آن فراهم کردن مشوق‌هایی برای مذاکره با تهران و استفاده از تحریم‌های چندجانبه برای افزایش فشار بر ایران بود. در جریان تنظیم مجدد روابط با واشنگتن، همکاری روسیه با ایالات متحده در مورد برنامه هسته‌ای ایران، موجب اقدام متقابل آمریکا برای الحاق این کشور به بانک جهانی، لغو تحریم‌ها علیه Rosoboroneksport و تصویب توافقنامه همکاری هسته‌ای ۱-۲-۳ شد. چین نیز مانند روسیه مجبور بود چندین الزام را در رابطه با ایران ایجاد کند: الف- جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ب- فضایی برای مذاکرات بیشتر با تهران ج- جلوگیری از آسیب رساندن به روابطش با ایران. در شورای امنیت سازمان ملل، روسیه و چین با یکدیگر همکاری کردند تا قطعنامه‌های تحریم‌ها را کاهش دهند و رویکردهای مشترکی را در مورد پیش‌نویس اصلاحات تدوین کنند. هیأت‌های روسیه و چین قبل از نشست E3 + 3 برای توافق بر روی رویکردهای مشترک در مورد پیشنهاد اصلاح متون قطعنامه تحریم‌ها هماهنگ شدند. تلاش‌های مشترک چین و روسیه به‌طور مداوم توانست مفاد قطعنامه اولیه را کاهش دهد (Pieper, 2013: 305). اگرچه چین و روسیه تحت قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ از تحریم‌های اقتصادی جامع حمایت کردند، اما مسکو و پکن هر دو مخالفت خود را با تحریم‌های یکجانبه اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه ایران ابراز کردند و در عین حال به شدت علیه استفاده از زور در مقابل ایران ایستادگی می‌کردند.

پس از برجام، مسکو متذکر شد که نزدیک شدن بالقوه ایران به آمریکا و اروپا می‌تواند به قیمت منافع و نفوذ روسیه در ایران پس از تحریم تمام شود. چنین احساسی با انتخاب دونالد ترامپ به سرعت از بین رفت زیرا نگرانی مسکو در مورد روابط ایران و آمریکا به نسبت به افزایش نگرانی تهران از تعامل روسیه با ایالات متحده به خاطر منافع ایران کاهش یافت. اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، لغو

برجام و کمپین فشار حداکثری واشنگتن، اهمیت روسیه و چین را در سیاست خارجی ایران افزایش داد. مخالفت روسیه و چین با تلاش‌های دولت ترامپ و بایدن برای تمدید تحریم‌ها، نشات گرفته از تلاش‌های مسکو و پکن برای نشان دادن تصویر خود به عنوان قهرمانان حقوق بین‌الملل در میان افزایش ناسازگاری‌ها و یکجانبه‌گرایی‌های ایالات متحده بوده است. این دو کشور تلاش داشته‌اند تا حدودی از برجام حمایت نمایند.

### سازمان همکاری شانگهای و ایران

در سطح منطقه‌ای، سازمان همکاری شانگهای از طریق اجلاس‌های منظم و تبادلات وزیران، ابزار اصلی چندجانبه برای تعامل سه جانبه بین مسکو، پکن و تهران بوده است. سازمان همکاری شانگهای جایگاه برجسته‌ای را در تعهدات تهران برای ایجاد روابط با روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی و در عین حال مشارکت در منطقه‌گرایی غیرغربی به خود اختصاص داده است. (Ambrosio, 2008: 1338). تأسیس سازمان همکاری شانگهای در پس زمینه تلاش‌های مداوم ایران برای کاهش انزوای بین‌المللی خود از طریق گسترش روابط دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسایه اتفاق افتاد. در سال ۲۰۰۴، ایران درخواست خود را برای عضویت ناظر در شانگهای در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی ارائه کرد. یک سال بعد، در اجلاس ژوئیه ۲۰۰۵ در آستانه، سازمان همکاری شانگهای به ایران همراه با هند و پاکستان، عضویت ناظر در این سازمان را اعطا کرد. اگرچه ایران در سال ۲۰۰۸ قصد خود را برای عضویت کامل اعلام کرد، اما عدم تمایل کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به داشتن هویت آشکار ضدغربی در تصمیم رد درخواست احمدی نژاد برای عضویت در سال ۲۰۰۸ با استناد به فقدان رویه رسمی برای توسعه و گسترش آن مشهود بود. بعدها در سال ۲۰۱۰ با تصویب معیارهای عضویت که کشورهای تحت تحریم شورای امنیت سازمان ملل را از پیوستن به این سازمان منع کرد به صورت آشکار با عضویت کامل ایران مخالفت شد. ایران با تأکید بر مشارکت خود در سازمان همکاری شانگهای به عنوان کشوری با تجربه در مبارزه با چالش‌های مشترک منطقه‌ای، نشان داد که از طریق تعهد گفتمانی خود به سه شریک ناقص ناپذیری حاکمیت و تنوع فرهنگی، می‌تواند خود را به عنوان شریکی مطلوب معرفی کند (Allison, 2018: 309).

در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، مسکو و پکن در مورد موضوع عضویت ایران در کنار

ابهامات روسیه در مورد تاکید چین بر ادغام اقتصادی در این سازمان اختلاف نظر داشتند. در حالی که مسکو برای عضویت ایران تلاش می کرد، چین با وجود اعلامیه‌های عمومی مختلف که درخواست تهران برای عضویت کامل را تایید می کرد، در استقبال از عضویت ایران مرددتر بود. پس از برجام، حذف قریب‌الوقوع تحریم‌ها در ژانویه ۲۰۱۶ بحث‌های قابل توجهی را در مورد امکان الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای برانگیخت. با این حال، مسائل پیرامون روند توسعه سازمان همکاری شانگهای به هند و پاکستان، همراه با رکود روابط ایران و تاجیکستان، و تداوم تردید چین در مورد عضویت ایران، همچنان مانع دستیابی ایران به عضویت کامل شده بود. شکاف بین روسیه و چین بر سر عضویت ایران در اظهارات فاش شده یک دیپلمات ناشناس روسی که به‌طور ضمنی از انفعال پکن در قبال اقدام تاجیکستان در نشست تاشکند در سال ۲۰۱۶ برای استناد به روابط ایران با جنبش اسلامی تاجیکستان به‌عنوان زمینه‌ای برای جلوگیری از درخواست تهران انتقاد می کرد، مشهود بود (Montgomery and Heathershaw, 2016: 218). اما این روند در اجلاس سال ۲۰۲۱ تکرار نشد و سازمان همکاری شانگهای در دوشنبه به سمت پذیرش ایران به‌عنوان یک عضو کامل در این سازمان حرکت کردند. اگرچه منافع مادی این تصمیم برای ایران اندک است، اما اعطای عضویت به تهران نشان‌دهنده یک پیروزی دیپلماتیک بزرگ برای ابراهیم رئیسی، در بجنوبه توافق مذاکرات هسته‌ای در وین، تسلط طالبان بر افغانستان، و چالش همیشگی امنیت حکومت است. علاوه بر آشتی دادن اختلافات با تاجیکستان، تصمیم برای پذیرش ایران در این سازمان نشان داد که تهران چین را متقاعد می کند که از الحاق خود در این سازمان حمایت کند.

### امنیت رژیم و اشاعه اقتدارگرایانه

انقلاب‌های رنگی در فضای پس از فروپاشی شوروی و حوادث سال ۱۳۸۸ در ایران، پایه‌های هنجاری مشترک ایران، روسیه و چین را علیه برنامه‌های شعارگونه دموکراتیک‌سازی غرب مستحکم کرد. در طول انقلاب‌های رنگی در گرجستان، قرقیزستان و اوکراین، ایران از ناراضی ناشی از مداخله سازمان‌های غیردولتی و دولت‌های غربی بهره برد. در ایران، حوادث سال ۱۳۸۸ احساسات مشابهی را در گفتمان رسمی به انقلاب‌های رنگی برانگیخت، زیرا تهران از تلاش‌های غرب برای ترویج دموکراسی میلی انتقاد و آن را جنگ نرم توصیف کرد (Murat Tezcür, 2012: 129). نگرانی‌های مشترک ایران در مورد تغییر رژیم تحت رهبری غرب متعاقباً به تصاحب عناصر روایات

روسیه و چین توسط تهران و اقدامات تقویت حاکمیت برای تقویت ثبات حکومت اسلامی تبدیل شد. در دوران احمدی‌نژاد، تهران در انتقاد از تلاش‌های آمریکا برای تک قطبی‌سازی و سلطه و استفاده بدبینانه از حقوق بشر برای مقاصد سیاسی و ساخت انقلاب‌های رنگی به‌عنوان زمینه‌هایی برای همسویی نزدیک‌تر با کشورهایی مانند روسیه و چین استفاده کرد (Mesbahi, 2010: p 180).

در ژوئن ۲۰۰۹، اعتراضات گسترده پس از انتخاب مجدد احمدی‌نژاد و گمانه‌زنی‌های گسترده در مورد تقلب در انتخابات در ایران با اجلاس سران سازمان همکاری‌های شانگهای همزمان شد. اگرچه احمدی‌نژاد سفر خود به اجلاس را به دلیل اعتراضات به تعویق انداخت، اما حضور رئیس‌جمهور ایران در اجلاس سران سازمان همکاری‌های شانگهای مشروعیت نمادینی به ایران داد. سازمان همکاری‌های شانگهای در بحبوحه اعتراضات گسترده در ایران نسبت به انتخاب مجدد وی و سولاتی در غرب در مورد این رای، تریبون برجسته‌ای به محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران داد. همچنین در جلسه عمومی، سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای پیروزی احمدی‌نژاد را تبریک گفتند و روسیه و چین نیز بیانه‌هایی در حمایت از نتایج انتخابات صادر کردند. حمایت اعلانی روسیه و چین از انتخابات ۲۰۰۹ ایران با اقدامات متقابل برای تقویت امنیت اطلاعات و مصون نگه داشتن کشور از انتقادات بین‌المللی همراه بود. (MacKinnon, 2011: 44). در طول حوادث سال ۱۳۸۸ ایران با تکیه بر شیوه‌های نظارت بر اینترنت چین و فناوری سایبری، کنترل خود را بر فناوری‌های اطلاعات تقویت کرد. علاوه بر این، قوانین امنیت اطلاعات ایران شروع به تقلید از زبان مورد استفاده در اسناد روسی و چینی در مورد امنیت اطلاعات کرد که حاکمیت دولت و امنیت ملی را به اعمال کنترل بر اینترنت مرتبط می‌کرد (Vatanka, 2015: p 65).

با وجود تنش‌ها بر سر رد پیشنهاد رآکتور تحقیقاتی تهران توسط روسیه و رویکرد احمدی‌نژاد به موضوع هسته‌ای، روسیه و چین با استفاده از کمک‌های اقتصادی، دیپلماتیک و غیره بعنوان نقش حامی برای حکومت ایران برآمدند (Levitsky and Lucan, 2010: 41). در سال ۲۰۱۸، پس از یک سری اعتراضات داخلی در ایران، روسیه و چین به شدت با تلاش‌های آمریکا برای طرح مسائل مربوط به امور داخلی ایران در شورای امنیت سازمان ملل مخالفت کردند. چین مسئولیت شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را مورد استناد قرار داد و استدلال کرد که شورای امنیت، نباید در مورد امور داخلی هیچ کشوری بحث کند، و همچنین محل هیچ بحثی درباره وضعیت



حقوق بشر در یک کشور در شورای امنیت نیست. وضعیت ایران هیچ‌گونه تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نیست و در دستور کار شورای امنیت نیز قرار ندارد. روسیه، برخلاف چین، انتقادات زیادی از یکجانبه‌گرایی ایالات متحده و رفتار داخلی آن با اقلیت‌ها در فرگوسن ارائه کرد، اما موضع قانونی مشابهی با چین را اتخاذ کرد که اعتراضات داخلی خارج از صلاحیت شورای امنیت است (United Nations Security Council, 2018). پکن و مسکو از مسیر دیپلماتیک تا کاهش فشار خارجی از طریق انتقال سیاست‌های اقتدارگرایانه به توانایی ایران برای تحمل انتقادات بین‌المللی و رقابت‌های داخلی کمک کرده‌اند.

### ۱. رویکرد روسیه و چین در قبال ایران از منظر اقتصادی

ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و پتانسیل اقتصادی خود جایگاه برجسته‌ای در نگاه روسیه و چین برای تقویت ارتباط منطقه‌ای به خود اختصاص داده است. روسیه بر پتانسیل ایران برای ایفای نقش محوری به‌عنوان پل جغرافیایی که اروپا و اوراسیا را به خاورمیانه و آسیای جنوبی متصل می‌کند و در نتیجه فرصت‌ها برای تجارت بین قاره‌ای را گسترش می‌دهد، تاکید دارد (Karaganov, 2018: 49). اگرچه این رابطه به شدت مشروط به جبر جغرافیایی است، اما روایت روسی با دیدگاه ایران از نقش تاریخی خود به‌عنوان مرکز ثقل جغرافیایی مطابقت دارد. به ویژه، ایران تمایل دارد مشارکت خود را در طرح‌های منطقه‌ای به عنوان گواهی بر مرکزیت کشور در ارتقای اتصال منطقه‌ای از طریق پروژه‌های حمل‌ونقل مانند یک کمر بند یک جاده و کریدور شمال و جنوب نشان دهد. آراستگی گفتمانی روسیه و ایران در مورد گستره ارتباط منطقه‌ای و همکاری اقتصادی، روابط تجاری ناچیز بین کشورها و همچنین عدم توسعه ملموس در تقویت منطقه‌گرایی را پنهان می‌کند. فراتر از انرژی هسته‌ای و فروش تسلیحات، روابط اقتصادی دوجانبه با انتظارات برآورده نشده، فقدان کانال‌های بانکی قابل اعتماد و ساختارهای واردات و صادرات مناسب نبوده است. با این حال، ایران یک نمونه اساسی از سیاست روسیه برای استفاده از اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان یک پلت‌فرم برای گسترش به بازارهای جهانی و تقویت ارتباط بیشتر تشکیل داده است. علاوه بر یکپارچگی اقتصادی و اتصال حمل و نقل، روسیه، چین و ایران در حمایت از تلاش‌های گسترده‌تر برای دلارزدایی مشارکت داشته‌اند.

با آغاز به کار یک کمر بند یک جاده در سال ۲۰۱۳، روسیه به دنبال یافتن راه‌هایی برای مدیریت نفوذ فزاینده چین در منطقه همانند کشورهای مشترک المنافع و سرمایه‌گذاری از روابط خود با پکن برای

کسب منافع اقتصادی بوده است. در ماه مه ۲۰۱۵، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، توافق‌نامه‌ای را برای اتصال اتحادیه اقتصادی اوراسیا و یک کمربند و یک جاده چین امضا کردند. یک سال بعد در نشست اقتصادی سن پترزبورگ در ژوئن ۲۰۱۶، ولادیمیر پوتین قصد مسکو را برای آغاز مشارکت بزرگ اوراسیا چارچوبی برای یکپارچگی سیاسی، امنیتی و اقتصادی کلان منطقه‌ای که شامل کشورهای اتحادیه اوراسیا، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع می‌شود، بیان کرد. مشارکت بزرگ اوراسیا، که بیشتر به‌عنوان اوراسیای بزرگ شناخته می‌شود، نشان دهنده تلاش مسکو برای رسیدگی به یک کمربند یک جاده چین در عین حفظ نفوذ در منطقه خارج نزدیک است (Lewis, 2018: 16-13). منطقه تجارت آزاد تهران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و همکاری مشترک روسیه و ایران در INSTC در چارچوب دیدگاه‌های مسکو برای مشارکت بزرگ اوراسیا قرار گرفته است و به طور بالقوه مکانی برای تعامل نزدیک‌تر روسیه، چین و ایران است.

علی‌رغم نگرانی‌های نهفته مسکو در مورد عظمت اقتصادی چین، اهداف مسکو برای پیوند یک کمربند یک جاده با اتحادیه اقتصادی اوراسیا بخشی از تلاش گسترده‌تر برای ایجاد یک شبکه به هم پیوسته شامل مناطق آزاد تجاری، تجارت بین‌بلوکی و مشارکت‌های اقتصادی و فرآیندهای ادغام منطقه‌ای بوده است (Kazantsev and et al, 2021: 51). ایران از طریق زیرساخت‌های بندری خزر و مسیرهای حمل‌ونقل زمینی، ارتباط مهمی را در پیوند یک کمربند یک جاده و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تشکیل می‌دهد که با نگاه روسیه به ایران به‌عنوان یک مرکز ترانزیتی مطلوب در برنامه‌هایش برای توسعه صادرات غیرهیدروکربنی مرتبط است. در اردیبهشت ۱۳۹۷، ایران قرارداد موقت تجارت آزاد با اوراسیا را امضا کرد که در اکتبر ۲۰۱۹ لازم‌الاجرا شد. محمدباقر قالیباف رئیس‌مجلس ایران در پی سفر خود به مسکو در فوریه ۲۰۲۱ اعلام کرد که ایران به‌طور دائم در دو بخش به اوراسیا خواهد پیوست. مشارکت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا همچنین با جاه‌طلبی‌های مسکو و تهران برای توسعه کریدور شمال و جنوب که یک کریدور ترانزیتی بین‌المللی است که اوراسیا را از طریق شبکه چندوجهی راه‌آهن، جاده‌ها و مسیرهای کشتیرانی به خلیج فارس و جنوب آسیا متصل می‌کند، مرتبط است (Grajewski, 2022: 13).

کریدور شمال و جنوب و طرح جاده ابریشم جدید چین برای توسعه صادرات به بازارهای خلیج فارس و جنوب آسیا به زیرساخت‌های بندری ایران در مسیرهای تجاری دریای خزر و زمینی متکی هستند. بخش شرقی کریدور ریلی شمال به جنوب در امتداد سواحل خزر با کریدور چین-

قزاقستان- ایران همپوشانی دارد که در سال ۲۰۱۸ آغاز شد، در حالی که برنامه اتصال رشت به بندر انزلی و آستارا در مرز ایران و آذربایجان انجام خواهد شد. اما ناتوانی در تحمل تحریم‌های ثانویه ایالات متحده در اواخر فوریه ۲۰۱۹ هنگامی که راه‌آهن روسیه از پروژه گرمسار- اینچه برون خارج شد، آشکار شد. علی‌رغم چالش‌های روسیه در غلبه بر تحریم‌های ثانویه، بعد اقتصادی روابط روسیه و ایران یک بخش ضعیف در گسترش روابط دوجانبه بوده است - که کاملاً در تضاد با روابط اقتصادی ایران و چین است (Kazantsev, 2021: 58).

روسیه، چین و ایران از جمله کشورهای پیشرو بوده‌اند که از استقلال مالی در برابر دلار آمریکا حمایت می‌کنند. مسکو در روابط خود با تهران و پکن، به منظور کاهش خطرات تحریم‌ها و تقویت استقلال، خواستار تغییر به تسویه ارزهای ملی به‌عنوان جایگزینی برای دلار شده است. پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، بانک مرکزی روسیه سیستم خود را برای انتقال پیام‌های مالی<sup>۱</sup> راه‌اندازی کرد تا به‌طور موثر خطر قطع ارتباط روسیه از سیستم سوئیفت را خنثی کند. از سال ۲۰۱۶، روسیه توانست به سازوکارهای تراکنش مالی غیر دلاری با برخی کشورها مانند چین و ونزوئلا برای مقابله با تحریم‌های آمریکا دست یابد. به همین ترتیب، به دلیل تحریم‌های آمریکا و دشواری انجام تجارت به دلار، ایران و روسیه تلاش کرده‌اند از روبل و ریال در تجارت دوجانبه استفاده و خدمات پیام‌رسانی مالی خود را برای انجام تراکنش‌های بانکی دو طرفه یکپارچه کنند. (RIA Novosti, 2019). در گزارش شورای پژوهشی مجلس ایران آمده است که همکاری‌های سه‌جانبه روسیه، چین و ایران باید در حوزه انرژی و مالی تقویت شود. با انجام این کار، ایران می‌تواند نفت خود را به یوان بفروشد و از طریق موسسات مالی چینی، بازارهای آتی و اتاق‌های تسویه با استفاده از سیستم‌های پرداخت روسی و چینی مبادلات خود را انجام دهد. این گزارش همچنین استدلال می‌کند که معاملات بدون استفاده از دلار و سیستم سوئیفت کنترل ایالات متحده را در پرداخت‌های بین‌المللی و تجارت نفت محدود می‌کند، در حالی که ایجاد یک سیستم مالی جایگزین بین روسیه، چین و شرکای تجاری‌اش می‌تواند به کاهش خطرات مرتبط با تحریم‌های اعمال‌شده توسط ایالات متحده کمک کند (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۴۰۰: ۵۹). اظهارات روسیه، چین و ایران در مورد تلفیق دیدگاه‌ها برای اتصال اقتصادی و ترویج دلارزدایی، پیشرفت واقعی در این

<sup>1</sup> SPFS

ابتکارات را مبهم کرده است. علاوه بر این، نابرابری در قدرت اقتصادی روسیه و چین نه تنها اهداف مسکو را برای مشارکت در ادغام اوراسیا به‌عنوان یک شریک برابر پیچیده می‌کند، بلکه حمایت از تهران در عبور از انزوای اقتصادی بین‌المللی را نیز پیچیده ساخته است.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان بلوک بندی روسیه، چین و ایران در مقابل ایالات متحده آمریکا؛ دلایل و رویکردها در پی پاسخ به این پرسش برآمد که روسیه، چین و ایران برای مقابله و یا کاهش تاثیرگذاری اهداف و برنامه‌های هژمون (آمریکا) از چه رویکردهایی بهره‌جسته‌اند؟ آیا این رویکردها و به عبارتی واکنش‌های این سه کشور یکسان بوده و یا وضعیت‌های متفاوتی را تجربه نموده است؟ همچنین این فرضیه مطرح شد که الگوهای رفتاری سه کشور روسیه، چین و ایران در قبال سیاست خارجی هژمون مطابق با مزیت‌های نسبی این سه بازیگر در حوزه‌های جغرافیا- ژئوپلیتیک، سیاسی، دفاعی- امنیتی و فرهنگی- تمدنی و نیز ماهیت روابط دو جانبه با آمریکا، روند یکسانی را تجربه نکرده و متفاوت بوده است. بنابراین یا توجه به داده‌های به دست آمده در پژوهش، روند روابط میان سه کشور چین، روسیه و ایران متأثر از عوامل بین‌المللی و پیشامدهای آن است. شاید بهتر است بگوییم یکی از مهم‌ترین دلایل روابط این کشورها اختلافات موجود با ایالات متحده به عنوان کنشگر فعال و موثر بین‌المللی است. براساس روندهای موجود میان دولت‌ها هر زمان که آنان با ایالات متحده روابط مثبتی را داشته‌اند یا تحت فشار این کشور در زمینه‌های مختلف بوده‌اند کنش آنان نسبت به یکدیگر تغییر کرده است. بنابراین با تایید فرضیه طرح شده با وجود موزانه‌سازی‌های برجسته در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی، کنش در سه کشور چین، روسیه و ایران متفاوت است. به گونه‌ای که به نظر می‌آید استفاده از کلمه بلوک‌بندی جدید شرق در برابر آمریکا شاید هنوز بسیار زود باشد. زیرا اختلاف با ایالات متحده برجسته‌ترین وجه اشتراک این سه کشور است که آن نیز به صورت ثابت میان آنان طرح نمی‌شود. در بسیاری از موارد همکاری، اتحاد یا اشتراک سیاست‌ها میان به خصوص چین و روسیه با آمریکا وجود دارد. در نتیجه رویکرد موجود در بلوک‌بندی جدید باوجود پتانسیل‌های بسیار تاحدودی متزلزل است. این تزلزل بیشتر از جانب چین مشاهده می‌شود زیرا تمام تلاش این کشور در بحث اقتصادی گذاشته شده است و رویه‌ای متفاوت از روسیه و ایران دارد. بنابراین برای رسیدن به یک بلوک‌بندی قوی که وجه اشتراکی بیش از اختلاف با آمریکا داشته

باشد نیاز به پایه‌های جدیدتر و محکم‌تری همانند سازمان همکاری شانگهای دارند که روابط آنان را جدای از سیستم ایالات متحده تعریف و تحکیم بخشد.

## منابع

- اسدی، بهروز و منوری، سیدعلی (۱۳۹۸) «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید؛ اتحاد استراتژیک یا همسویی منافع»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ۱۲(۴)، صص ۲۱۰-۱۸۱.
- بصیری، محمدعلی و آیینه‌وند، حسن (۱۳۹۵) «مقایسه رویکرد روسیه، چین و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل. ۵(۱)، صص ۵۵-۲۵.
- پاکدل‌مجد، مصطفی و بیرهادی، اصغر (۱۴۰۰) «جایگاه سازمان همکاری شانگهای در راهبردهای موازنه‌جویانه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چین»، سازمان‌های بین‌المللی. ۴(۲)، صص ۲۷۸-۳۱۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مرادی، منوچهر (۱۳۹۴) «آمریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱(۸۹)، صص ۹۱-۶۵.
- صفری، عسگر و رادگودرزی، معصومه (۱۴۰۰) «همکاری‌های چین و روسیه؛ تحلیلی از منظر تئوری انتقال قدرت». روابط خارجی، ۵۰(۲)، صص ۲۷۰-۳۰۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰)، وضعیت اقتصادی و همکاری دو جانبه ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1785535>
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰) «تحلیل سیاست موازنه‌قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۰(۱)، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- نوری، علیرضا (۱۴۰۰) «ماهیت تجدید نظر طلبی روسیه و چین؛ سیاست و منافع ایران». مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۴(۴). صص ۳۷۱-۳۹۶.
- همتی، مرتضی؛ ابراهیمی، شهرروز و گودرزی، مهناز (۱۳۹۹) «سیاست موازنه سازی عربستان در برابر ایران در یمن». برنامه ریزی فضایی، ۱۰(۱)، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- Allison, Roy (2018) 'Protective Integration and Security Policy Coordination: Comparing the SCO and CSTO'. The Chinese Journal of International Politics Vol. 11. Issue 3, 297-338.
- Kendall, Andrea and Taylor, Richard (2024) 'The Axis of Upheaval How America's Adversaries Are Uniting to Overturn the Global Order'. Foreign affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/china/axis-upheaval-russia-iran-north-korea-taylor-fontaine>.
- Ambrosio, Thomas (2008) 'Catching the "Shanghai Spirit": How the Shanghai Cooperation Organization Promotes Authoritarian Norms in Central Asia'. Europe-Asia Studies Vol. 60. Issue 8, 1321-1344.
- Bettiza, Gregorio and David Lewis (2020), 'Authoritarian Powers and Norm Contestation in the Liberal International Order: Theorizing the Power Politics of Ideas and Identity'. Journal of Global Security Studies Vol. 5. Issue 4, 559-577.

- Cohen, Ariel (2023) "The China-Russia-Iran Axis Is a Clear Threat to America". The National Interest. Available at: <https://nationalinterest.org/feature/china-russia-iran-axis-clear-threat-america-207155>.
- Grajewski, Nicole (2022), An Illusory Entente: The Myth of a Russia-China Iran "Axis". *Asian Affairs*, 2022 Vol. LIII, no. I, 164–183, <https://doi.org/10.1080/03068374.2022.2029076>.
- Karaganov, Sergey (2018), 'The New Cold War and the Emerging Greater Eurasia'. *Journal of Eurasian Studies* Vol. 9. Issue 2, 85-93.
- Kazantsev, Andrei, Svetlana Medvedeva, and Ivan Safranchuk (2021), 'Between Russia and China: Central Asia in Greater Eurasia'. *Journal of Eurasian Studies* Vol. 12. Issue 1, 50-76.
- Levitsky, Steven and Lucan A. Way (2010), *Competitive Authoritarianism: Hybrid Regimes after the Cold War*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lewis, David (2018), 'Geopolitical Imaginaries in Russian Foreign Policy: The Evolution of "Greater Eurasia"'. *Europe-Asia Studies* Vol. 70. Issue 10, 1612-1637.
- MacKinnon, Rebecca (2011), 'Liberation Technology: China's "Networked Authoritarianism"'. *Journal of Democracy* Vol. 22. Issue 2, 32-46.
- Mesbahi, Mohiaddin (۲۰۱۰) 'Eurasia between Russia, Turkey, and Iran', in Maria Raquel Freire and Roger E. Kanet (Eds.), *Key Players and Regional Dynamics in Eurasia: The Return of the "Great Game"*. London: Palgrave Macmillan UK.
- Montgomery, W. and John Heathershaw (2016), 'Islam, Secularism and Danger: A Reconsideration of the Link between Religiosity, Radicalism and Rebellion in Central Asia'. *Religion, State and Society* Vol. 44. Issue 3.
- Orr, Bernard, Faulconbridge, "Guy and Osborn, Andrew (2024), Putin and Xi pledge a new era and condemn the United States", Reuters website. Available at: <https://www.reuters.com/world/putin-visit-chinas-xi-deepen-strategic-partnership-2024-05-15/>
- Pieper, Moritz (2013), 'Dragon Dance or Panda Trot? China's Position towards the Iranian Nuclear Programme and Its Perception of EU Unilateral Iran Sanctions'. *European Journal of East Asian Studies* Vol. 12. Issue 2, 295-316.
- RIA Novosti, September 13, 2019 (accessed 23 January 2021). *Russia and Iran facilitate cooperation with their systems as an alternative to SWIFT*].
- Roberts, Anthea (2017), *Is International Law International?* Oxford: Oxford University Press.

- Tezcür, GüneşMurat (2012), 'Democracy Promotion, Authoritarian Resiliency, and Political Unrest in Iran'. Democratization Vol. 19. Issue 1, 120-140.
- United Nations Security Council, (January 5, 2018), Security Council Seventy-third year 8152nd meeting'. <https://undocs.org/en/S/PV.8152> (accessed 28 June 2021).
- Vatanka, Alex (2015), 'Iran Abroad'. Journal of Democracy Vol. 26. Issue 2, 61-70.
- Voronin, Kirill (1999), Union of Four: Iran Wants to Join the Union of Russia, China and India]. Rabochaya Tribuna, November 4, 1999